

قانون نمونه درباره داوري تجاري بين المللي

فصل اول

مقررات عمومي

مادة 1- قلمرو اجرا¹

1- اين قانون، با رعايت هرگونه موافقتنامه معتبري که بين اين کشور و يا کشورهاي ديگر وجود دارد، شامل داوري تجاري²

2- مقررات اين قانون، به استثناي مواد 8، 9، 35 و 36، در صورتي قابل اجرا است که محل داوري در قلمرو اين کشور باشد.

3- داوري در صورتي بين المللي است که:

1. عناوين مواد صرفاً جهت تسهيل در (اشاره و) ارجاع است و نبايد به منظور تفسير بکار گرفته شوند.
2. اصطلاح «تجاري» بایستی در مفهوم وسيع آن تفسير شود، بنحوي که موضوعات ناشي از هرگونه رابطه را که داراي ماهيت تجاري است، اعم از قراردادي يا غيرقراردادي، شامل شود. منظور از روابط داراي ماهيت تجاري، بدون قيد انحصار؛ عبارت است از تهيه يا مبادله کالا يا خدمات، قرارداد توزيع، نمايندگي يا کارگزاري تجاري، حق العمل کاري، اجاره به شرط تملیک، ساختمان پروژه ها، مشاوره، مهندسي، پروانه امتياز، سرمايه گذاري، تأمين اعتبار، بانکداري، بیمه، قرارداد بهره برداري يا امتياز انحصاري يا مشارکت مدني و انواع ديگر همکاري صنعتي يا تجاري، حمل و نقل کالا يا مسافر از طريق هوا، دريا، راه آهن يا جاده.

الف مرکز فعالیت (اقامتگاه) طرفین موافقتنامه داوری، در زمان انعقاد قرارداد مذکور، در کشورهای مختلف باشد، یا

ب یکی از محل‌های زیر، خارج از کشوری باشد که مرکز فعالیت طرفین در آن کشور واقع است:

– محل داوری، در صورتی که موافقتنامه داوری (تصریح) یا به‌موجب آن تعیین شده باشد،

– هر محلی که قسمت اساسی تعهدات ناشی از روابط تجاری بایستی در آن محل اجرا شود، یا محلی که موضوع اصلی اختلاف نزدیکترین ارتباط را با آن محل دارد، یا

ج طرفین صریحاً توافق کرده باشند که موضوع اصلی موافقتنامه داوری به بیش از یک کشور ارتباط دارد.

4- به‌منظور (اجرای) بند 3 این ماده:

الف چنانچه طرفی بیش از یک مرکز فعالیت داشته باشد، مرکزی که نزدیکترین رابطه را با موافقتنامه داوری دارد، مرکز فعالیت او خواهد بود،

ب – چنانچه طرفی مرکز فعالیت نداشته باشد، محل سکونت معمولی او ملاک است.

5- این قانون نسبت به سایر قوانین این کشور که به‌موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع نمود و یا منحصرأ بر حسب مقررات دیگری غیر از این قانون قابل ارجاع به داوری هستند، تأثیری نخواهد داشت.

مادة 2- تعاریف و قواعد تفسیر

به منظور (اجرای) این قانون:

- الف -** منظور از «داوری»، هر نوع داوری است، اعم از اینکه توسط یک مؤسسه دائمی اداره (و تصدی) شود یا نه،
- ب -** «هیئت داور» به معنای داور واحد یا گروه داوران می‌باشد،
- ج -** منظور از «دادگاه»، عضو یا ارگانی از سیستم قضایی یک کشور است.
- د -** در مواردی که به موجب یکی از مقررات فصلهای سوم، چهارم یا پنجم این قانون، طرفین در اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع خاصی مختار دانسته شده‌اند، این اختیار شامل حق طرفین در تفویض اتخاذ تصمیم به شخص ثالث از آن جمله هر سازمانی، نیز می‌باشد،
- ه -** هر کجا که در هر یک از مقررات این قانون به توافق قبلی یا بعدی طرفین اشاره شده، یا به هر نحو دیگری به موافقتنامه فیما بین طرفین اشاره می‌شود، موافقت نامه مذکور شامل هر نوع مقررات داوری مذکور در آن قرارداد نیز خواهد بود.

مادة 3- دریافت (ابلاغ) مراسلات کتبی

- 1- بجز مواردی که توافق دیگری بین طرفین وجود داشته باشد:
- الف -** هرگونه مراسلات کتبی، به شرط آنکه به شخص گیرنده تسلیم شود و یا به مرکز فعالیت، محل سکونت معمولی یا نشانی پستی وی تسلیم گردد، دریافت (ابلاغ) شده محسوب می‌گردد. در صورتیکه پس از انجام تحقیق معقول هیچکدام از

این نشانی‌ها بدست نیاید، مراسله کتبی در صورتی دریافت (ابلاغ) شده تلقی می‌شود که با پست سفارشی یا با هر وسیله دیگری که اهتمام در تسلیم مراسله را ثابت کند، به (هر کدام از) آخرین مرکز فعالیت، آخرین محل سکونت معمولی یا به آخرین نشانی پستی که از گیرنده در دست است (از او شناخته شده)، تسلیم شده باشد،

ب- مراسله در همان روز تسلیم به شرح فوق، ابلاغ شده تلقی می‌شود.
2- مقررات این ماده، شامل مراسلات در جریان رسیدگی نخواهد بود.

مادة 4- انصراف از حق ایراد

چنانچه هر يك از طرفین با علم به اینکه بعضی مقررات این قانون این الزامات ناشی از داوری که طرفین می‌توانند از آن عدول کنند، رعایت نشده مع الوصف داوری را ادامه دهد و ایراد خود به این امر را بدون تأخیر غیرموجه عنوان ننماید، یا اگر مهلتی تعیین شده باشد، در مهلت مقرر ایراد نکند، چنین تلقی خواهد شد که از این حق خود صرف‌نظر نموده است.

مادة 5 - حدود مداخله دادگاه

هیچ دادگاهی نمی‌تواند در موضوعات مشمول این قانون دخالت کند، مگر در موردی که به‌موجب این قانون پیش‌بینی شده است.

مادة 6- دادگاه یا سایر مراجعی که عهده دار پاره‌ای تکالیف جهت مساعدت و نظارت در داوری هستند.

وظایف مندرج در مواد 11 (3 و 4) ، 13 (3) ، 14 و 34 (2) به عهده... [هر کشوری که این قانون نمونه را تصویب می‌کند، دادگاه یا دادگاهها یا مرجع صالح دیگری را برای انجام این وظایف مشخص می‌کند.] گذارده می‌شود.

فصل دوم **موافقتنامه داوری**

مادة 7- تعریف و شکل موافقت نامه داوری

1 — «موافقتنامه داوری» توافق (قراردادی) است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی اختلافات بوجود آمده در مورد یک رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی یا اختلافاتی را که ممکن است (در رابطه با آن ارتباط حقوقی معین) پیش‌آید به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در یک قرارداد یا به صورت موافقت نامه جداگانه باشد.

2 — موافقتنامه داوری بایستی به صورت کتبی باشد. موافقت نامه در صورتی کتبی است که طی سندی (نوشته‌ای) به امضای طرفین رسیده باشد، یا طی مبادله نامه‌ها، تلکس، تلگرام یا سایر وسایل مخابراتی که وجود موافقتنامه را اثبات نماید، آمده باشد، یا یکی از طرفین طی مبادله دادخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر آن را تکذیب

اسناد بین‌المللی ❖ 215

نماید. تصریح در قرارداد به سندی (خارج از قرارداد) که متضمن شرط داوری است به منزله موافقتنامه داوری خواهد بود، مشروط بر اینکه قرارداد مذکور به صورت کتبی بوده و تصریح نیز بنحوی باشد که شرط (داوری) را جزیی از قرارداد بنماید.

مادة 8 - موافقتنامه داوری و دعوی ماهوی نزد دادگاه

1- دادگاهی که نزد او در خصوص امر موضوع موافقتنامه داوری طرح دعوی شده، مکلف است در صورت درخواست یکی از طرفین که دیرتر از تسلیم نخستین لایحه او در ماهیت اختلاف به عمل نیآمده باشد، طرفین را به داوری احاله (و هدایت) نماید، مگر اینکه احراز نماید موافقتنامه (داوری) باطل و ملغی الاثر یا غیرقابل اجرا می‌باشد.

2- هرگاه دعوی مذکور در بند (1) فوق طرح شده باشد، درعین حال که این دعوی تحت رسیدگی دادگاه است، مع الوصف جریان رسیدگی داوری نیز می‌تواند آغاز شده یا (در صورتیکه قبلاً شروع شده) ادامه یابد، و رأی نیز صادر شود.

مادة 9- موافقتنامه داوری و دعسور موقت (قرار تأمین) دادگاه

تقاضای یکی از طرفین، قبل یا حین دادرسی داوری، از دادگاه مبني بر صدور دستور موقت (قرار تأمین)، همچنین صدور چنین دستوری از جانب دادگاه، معارض موافقتنامه داوری نخواهد بود.

فصل سوم ترکیب هیئت داوران

مادة 10- تعداد داوران

- 1- طرفین در تعیین تعداد داوران، آزاد هستند.
- 2- در صورت عدم تعیین، تعداد داوران سه (عضو) خواهد بود.

مادة 11- تعیین داوران

- 1- هیچ کس را نمی‌توان به علت ملیتش از داور شدن ممنوع کرد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.
- 2- طرفین آزادند که با توجه و رعایت مقررات بندهای 4 و 5 این ماده، در مورد روش تعیین داور یا داوران توافق نمایند.
- 3- در صورت نبودن چنین توافقی:

الف - در داوران سه نفره، هر طرف یک داور را انتخاب می‌کند و دو داور منصوب طرفین، داور سوم را تعیین خواهند کرد، اگر یکی از طرفین ظرف 30 روز از تاریخ دریافت درخواست طرف مقابل در این خصوص، داور خود را تعیین نکند، یا اگر دو داور (منصوب طرفین) نتوانند ظرف 30 روز از تاریخ انتخاب شدن درباره انتخاب داور سوم توافق نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین تعیین (داور مربوط) توسط دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده 6 مشخص گردیده، انجام خواهد شد،

ب- در داوران یک نفره، اگر طرفین نتوانند درباره انتخاب داور توافق

نمایند، (داور) بنا به تقاضای یکی از طرفین توسط دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده 6 مشخص شده، تعیین خواهد شد.

4- هرگاه، حسب روش تعیین (داور) که مورد توافق طرفین قرار گرفته.

الف- یکی از طرفین به کیفیتی که به موجب آن روش مقرر شده، اقدام (لازم) ننماید، یا

ب- طرفین، یا دو داور، نتوانند به توافقی که حسب روش فوق‌الذکر مورد نظر است، دست یابند، یا

ج - شخص ثالث، از آن جمله هر سازمانی، نتواند به وظیفه‌ای که به موجب روش مذکور به او محول شده، عمل نماید.

(در این صورت) هر کدام از طرفین می‌تواند از دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده 6 تعیین شده، درخواست کند که اقدام لازم را انجام دهد، مگر اینکه روش تعیین (داور) مورد توافق بین طرفین، طرق دیگری جهت تأمین (این هدف، یعنی) تعیین داور پیش‌بینی کرده باشد.

5- تصمیم اتخاذ شده در مورد موضوعاتی که به موجب بندهای 3 یا 4 این ماده به عهده دادگاه یا مرجع دیگر مذکور در ماده 6 گذارده شده، قابل اعتراض نیست. دادگاه یا مرجع دیگر بایستی در تعیین داور به کلیه شرایطی که طرفین در موافقت‌نامه برای داور لازم دانسته‌اند و همچنین به ملاحظات که احتمالاً جهت تأمین (هدف) تعیین داور مستقل و بی‌طرف وجود داشته توجه کافی معمول دارد، و هنگامی که داور واحد یا داور سوم را تعیین می‌نماید، علاوه بر

موارد فوق، اولي بودن انتخاب داور يا مليتي غير از مليت طرفين را نيز ملحوظ نمايد.

مادة 12- موارد جرح (داور)

1- هرگاه شخصي از حيث امکان انتخاب به عنوان داور مورد مراجعه (و پيشنهاده) قرار گيرد، بايستي هرگونه اوضاع واحوالي را كه موجب بروز ترديدهاي موجهي در مورد بيطرفي و استقلال او ميگردد، افشاء نمايد. از موقع انتصاب به عنوان داور و در طول جريان داوري (نيز)، داور بايستي بدون تاخير (بروز) چنين اوضاع و احوالي را به طرفين اطلاع دهد مگر اينكه ايشان توسط وي از اوضاع و احوال مذکور از قبل مطلع شده باشند.

2- داور صرفاً در صورتي ميتواند جرح شود كه اوضاع و احوال موجود باعث ترديدهاي موجهي درخصوص بيطرفي و استقلال او گردد، يا واجد اوصافي كه مورد توافق (و نظر) طرفين بوده، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد علي كه پس از تعيين داور، از آنها مطلع شده، ميتواند داوري را كه خود تعيين کرده يا در جريان تعيين او مشاركت داشته، جرح كند.

مادة 13- تشريفات جرح

1- طرفين آزادند كه با رعايت مفاد بند 4 اين ماده، در مورد تشريفات جرح داور توافق نمايند.

2- در صورت نبودن چنين توافقي، طرفي كه قصد جرح داور را دارد، بايستي ظرف 15 روز از تاريخ اطلاع از تشكيل

هیئت داورى یا اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در ماده 12 (2)، دلایل جرح را طي لایحه اي کتبی به هیئت داورى اعلام کند. هیئت داورى در مورد جرح اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر اینکه داور مورد جرح از سمت خود کناره‌گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

3- چنانچه جرحی که با رعایت تشریفات مورد توافق طرفین یا تشریفات مقرر در بند 2 این ماده، به عمل آمده، مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که (داور را) جرح کرده می‌تواند ظرف سی روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده 6 پیش‌بینی شده، درخواست نماید که نسبت به جرح (رسیدگی و) اتخاذ تصمیم کند، این تصمیم قابل اعتراض نیست؛ مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است، هیئت داورى همراه با داور مورد جرح، می‌تواند رسیدگی داور را ادامه داده و رأی (نیز) صادر کند.

ماده 14- کوتاهی یا عدم امکان انجام وظیفه

1- اگر داور به حکم قانون یا عملاً (*de Jure or de Facto*) نتواند وظایف خود را انجام دهد یا بنا به علل دیگری از انجام این وظایف بدون تأخیر غیرموجه، ناتوان گردد، چنانچه خود را از سمت (داورى) کناره‌گیری کند یا اگر طرفین توافق نمایند، (سمت و) مأموریت او پایان می‌پذیرد. در غیر این صورت، چنانچه در مورد هر يك از موارد فوق، (بین طرفین)

اختلاف نظر وجود داشته باشد، هر کدام از طرفین می‌تواند از دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده 6 مقرر گردیده درخواست کند که در مورد ختم مأموریت داور اتخاذ تصمیم نماید، این تصمیم قابل اعتراض نیست.

2- در مواردی که داور طبق این ماده یا ماده 13 (2) از کار خود کناره‌گیری می‌کند یا یکی از طرفین در مورد ختم مأموریت او موافقت می‌نماید، به معنای قبول اعتبار (و صحت دلایل و) موارد مذکور در این ماده یا ماده 12 (2) نخواهد بود.

ماده 15- تعیین داور جانشین

در مواردی که مأموریت داور به لحاظ مواد 13 یا 14، یا به جهت کناره‌گیری خود او بنا به علل دیگری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو مأموریت او (به عنوان داور)، یا به علت سایر موارد ختم مأموریت، خاتمه می‌پذیرد بایستی داور جانشین، مطابق مقررات قابل اجرا درباره تعیین داور که تغییر می‌کند، معین گردد.

فصل چهارم صلاحیت هیئت داور

ماده 16- صلاحیت هیئت داور برای اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت خود

1- هیئت داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود، همچنین درباره وجود یا

اعتبار موافقتنامه داوري اتخاذ تصميم کند. براي اين منظور، شرط داوري که (به صورت) جزيي از يك قرارداد (مقرر شده) باشد، به عنوان موافقتنامه‌اي مستقل از ساير شرايط قرارداد به شمار مي‌رود. تصميم هيئت داوري مبني بر اينکه قرارداد باطل و ملغي الاثر است، في‌نفسه به معنای عدم اعتبار شرط داوري (مندرج در آن قرارداد) نخواهد بود.

2- ايراد به اينکه هيئت داوري فاقد صلاحيت است، بایستی حداکثر تا قبل از تسليم لايحه دفاعيه، مطرح شود. هيچ طرفي به صرف اينکه داوري را تعيين کرده یا در تعيين او مشارکت داشته، از طرح چنین ايرادي محروم نخواهد بود. ايراد به اينکه هيئت داوري از چهار چوب صلاحيت خود تجاوز کرده، بایستی به محض اينکه موضوع خارج از صلاحيت در جريان رسيدگي داوري مطرح مي‌شود، عنوان گردد. هت داوري مي‌تواند در هر کدام از موارد (مذکور)، ايراد خارج از موعده را نیز بپذیرد، به شرط آنکه تأخير را موجه تشخيص دهد.

3- هيئت داوري مي‌تواند نسبت به ايرادات مذکور در بند 2 فوق، به عنوان يك امر مقدماتي و يا در رأي ماهوي خود، اتخاذ تصميم کند. در صورتیکه هيئت داوري به صورت يك امر مقدماتي، به صلاحيت خود نظر بدهد، هر کدام از طرفين مي‌توانند ظرف 30 روز پس از ابلاغ اين تصميم از دادگاه یا مرجع ديگري که در ماده 6 پيش‌بینی شده درخواست کنند که نسبت به موضوع (رسيدگي و) اتخاذ تصميم

نماید. این تصمیم قابل اعتراض نیست؛ در اثنای رسیدگی به این درخواست، هیئت داورى می‌تواند به دادرسی خود ادا مه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده 17- اختیار هیئت داورى درباره صدور دستور موقت

هیئت داورى می‌تواند بنا به درخواست هرکدام از طرفین، مقرر نماید طرف دیگر اقدامات تأمینی را که هیئت با توجه به موضوع اصلی اختلاف ضروری تشخیص می‌دهد، انجام دهد، مگر طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. هیئت داورى می‌تواند مقرر نماید که هر کدام از طرفین در رابطه با چنین اقداماتی، تأمین مناسب بسپارند.

فصل پنجم

نحوه رسیدگی داورى

ماده 18- رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین بایستی بنحو مساوی باشد و به هر کدام از ایشان فرصت کامل جهت ارائه و طرح دعاویش داده شود.

ماده 19- تعیین قواعد رسیدگی

1- طرفین آزادند که در مورد تشریفاتى که بایستی جهت انجام رسیدگی توسط هیئت داورى رعایت شود، با توجه به مقررات این قانون توافق نمایند.

2- در صورت نبودن چنین توافقی، هیئت داورى می‌تواند با رعایت مقررات این قانون، داورى را بنحوی که مقتضی تشخیص می‌دهد اداره و تصدی نماید.

اختیاری که هیئت داوران در این مورد دارد، شامل اختیار او در تشخیص قابل قبول بودن، ارتباط، موضوعیت یا ارزش هرگونه دلیل نیز می باشد.

مادة 20- محل داوري

1- طرفین آزادند که در مورد محل داوري توافق کنند. در صورت نبودن چنین توافقی محل داوري با توجه به اوضاع و احوال دعوي، منجمله سهولت طرفین، توسط هیئت داوري تعیین می‌شود.

2- صرفنظر از مفاد بند (1) این ماده، هیئت داوري می‌تواند برای شور بین اعضاء، استماع شهادت شهود، کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال یا اسناد و مدارك، در هر محلی که خود مقتضي بدانند تشکیل یابد، مگر طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

مادة 21- شروع جریان داوري

رسیدگی داوري در خصوص يك دعوي خاص، در تاریخی که درخواست ارجاع اختلاف به داوري به خوانده ابلاغ شده است شروع می‌شود مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

مادة 22- زبان

1- طرفین آزادند که در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داوري توافق نمایند. در صورت نبودن چنین توافقی، هیئت داوري در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در داوري اتخاذ تصمیم می‌کند. توافق طرفین یا تصمیم هیئت داوري (در این مورد) شامل هرگونه لایحه مکتوب طرفین، هرگونه استماع یا (صدور) رأی، تصمیم یا سایر مراسلات هیئت داوري خواهد بود، مگر اینکه طور دیگری مقرر شده باشد.

2- هیئت داورى می‌تواند مقرر کند که ادله کتبی با ترجمه آنها به زبان یا زبانهای که مورد توافق طرفین قرار گرفته یا خود هیئت داورى تعیین کرده، همراه باشد.

مادة 23- دادخواست و دفاعیه

1- خواهان بایستی ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط هیئت داورى تعیین شده، واقعیاتی را که ادعای او را تأیید می‌کند، نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را تقدیم نماید، خوانده نیز بایستی دفاعیات خود در خصوص موارد مذکور را (در مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط هیئت داورى) تسلیم کند، مگر اینکه طرفین در خصوص مندرجات (و عناوین) مقرر در درخواست و دفاعیه، طور دیگری توافق کرده باشند. طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند (بعداً) تسلیم نمایند، همراه با دادخواست یا دفاعیه خود تقدیم نمایند.

2- چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری توافق نشده باشد هرکدام از آنها می‌توانند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داورى اصلاح یا تکمیل نمایند، مگر اینکه هیئت داورى مصلحت تشخیص دهد که چنین اصلاحیه‌ای را ولو با تأخیری که در تهیه آن رخ داده نیز بپذیرد.

مادة 24- استماع و دادرسی به صورت کتبی

1- جز در موردی که طرفین توافق دیگری کرده باشند هیئت داوران در خصوص اینکه آیا جهت ارائه ادله یا استدلالات شفاهی جلسه استماع شفاهی برگزار شود یا اینکه رسیدگی براساس مدارک و سایر موارد ادامه یابد، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. مع الوصف در صورتی که یکی از طرفین در مقطع مناسبی از رسیدگی درخواست نماید، هیئت داوران بایستی استماع شفاهی را برگزار کند، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که هیچ نوع استماعی شفاهی تشکیل نشود.

2- هیئت داوران بایستی قبل از تشکیل هرگونه جلسه استماع یا اجلاس هیئت بمنظور بازرسی کالا یا سایر اموال یا مدارک، طرفین را طی اخطاریه‌ای مطلع نماید.

3- کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به هیئت داوران تسلیم شده، بایستی برای طرف مقابل نیز ارسال گردد. همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی مدارک که ممکن است هیئت داوران هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد نماید، بایستی برای طرفین ارسال شود.

ماده 25- قصور هر کدام از طرفین

مگر در مواردی که توافق دیگری بین طرفین باشد، چنانچه بدون ارائه دلیل کافی:

الف- خواهان در تقدیم دادخواست خود براساس ماده 23(1) کوتاهی نماید، هیئت داوران رسیدگی را ختم خواهد کرد.

ب- خواننده در تقدیم دفاعیه خود براساس ماده 23(1)، کوتاهی نماید، هیئت داورى بدون اینکه این کوتاهی را فی‌نفسه به معنای قبول ادعاهای خواهان تلقی نماید، رسیدگی را ادامه خواهد داد.

ج - هرکدام از طرفین از حضور در جلسه استماع یا تهیه ادله مستند، کوتاهی کند، هیئت داورى می‌تواند دادرسی را ادامه داده و براساس مدارکی که نزد او است مبادرت به صدور رأی کند، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

مادة 26- کارشناس منصوب از طرف هیئت داورى

1- هیئت داورى می‌تواند:

الف- جهت تقدیم گزارش در مورد موضوع خاصی که توسط هیئت داورى مشخص می‌شود، يك کارشناس یا بیشتر را تعیین نماید،

ب- مقرر نماید که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد، یا موجبات دسترسی کارشناس به مدارک مربوط کالا، یا سایر اموال را جهت انجام بازرسی (و کارشناسی) فراهم نماید،

مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

2- در صورتی که یکی از طرفین درخواست کند و یا خود هیئت داورى ضروری تشخیص دهد، کارشناس بایستی پس از تقدیم گزارش کتبی یا شفاهی خود، در جلسه استماع نیز شرکت کند. در جلسه مذکور، طرفین نیز این فرصت را خواهند داشت که از کارشناس

سئوالاتي بنمايند و شاهد کارشناس خود را
به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد
اختلاف، معرفی کنند، مگر اینکه طرفین به
طور دیگری توافق کرده باشند.

مادة 27- مساعدت دادگاه براي تحصيل (جمع آوري) دليل

هيئت داوري، يا هر کدام از طرفين با در دست داشتن موافقت هيئت داوري، مي‌تواند از هردادگاه صلاحيتدار اين کشور درخواست کند که در مورد تحصيل (جمع آوري) دليل مساعدت نمايد. دادگاه مي‌تواند در چهارچوب صلاحيت خویش و با رعايت مقررات خود درباره تحصيل (جمع آوري) دليل، اين درخواست را (اجابت و) اجرا کند.

فصل ششم صدور رأي و ختم دادرسي

مادة 28- قواعد قابل اعمال در مورد ماهيت اختلاف

1- هيئت داوري برحسب قواعد حقوقی که طرفين به عنوان قواعد قابل اعمال در مورد ماهيت اختلاف برگزيده اند، در خصوص اختلاف (دعوي) اتخاذ تصميم خواهد کرد. هرگونه تعيين قانون يا سيستم حقوقی يك کشور مشخص، بعنوان ارجاع مستقيم به قوانين ماهوي آن کشور تلقي خواهد شد و نه قواعد حل تعارض آن، مگر اينکه طرفين طور ديگري توافق کرده باشند.

2- در صورت عدم تعيين (قانون ماهوي) از جانب طرفين، هيئت داوري قانوني را اجرا خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارضی که خود مناسب تشخيص داده، تعيين مي‌گردد.

3- هيئت داوري صرفاً در صورتي براساس عدل و انصاف (*ex aequo et bono*) يا به عنوان

میانجیگری دوستان (*amiable compositeur*) اتخاذ تصمیم می‌کند که طرفین صراحتاً چنین اجازه‌ای را به او داده باشند.

4- هیئت داور، در کلیه موارد براساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم خواهد کرد، و عرف بازرگانی قابل اجرا در معامله مربوطه را مورد نظر قرار خواهد داد.

ماده 29- اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در دادرسی‌هایی که توسط بیش از یک داور صورت می‌گیرد، هر تصمیم هیئت داور، بایستی با اکثریت کلیه اعضای هیئت داور اتخاذ شود، مگر طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. معذالک، موضوعات مربوط به آیین دادرسی توسط داور رییس (سرداور) مورد تصمیم قرار می‌گیرد، مشروط بر اینکه طرفین یا کلیه اعضای هیئت داور چنین اجازه‌ای داده باشند.

ماده 30 - سازش

1- چنانچه طرفین در جریان دادرسی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، هیئت داور رسیدگی را ختم خواهد نمود، و چنانچه یکی از طرفین تقاضا نماید و طرف مقابل اعتراض ننماید، موافقت نامه سازش را به صورت رأی داور براساس شرایط مرضی‌الطرفین، (صادر و) ثبت می‌نماید.

2- رأی براساس شرایط مرضی‌الطرفین بایستی مطابق مقررات ماده 31 صادر شود و تصریح گردد که رأی به شمار می‌رود.

چنین رأیی همان وضعیت و اثری را دارد که هر رأی ماهوی دیگری دارا است.

مادة 31- شكل و محتوای رأی

1- رأی بایستی به صورت کتبی بوده و به امضای داور یا داوران برسد. در رسیدگی داور توسط بیش از یک داور، امضای اکثریت کلیه اعضای هیئت داور کافي خواهد بود، مشروط بر اینکه علت امضای محذوف تصریح شود.

1- کلیه دلایلی که رأی مبتنی بر آن است بایستی در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود یا رأی براساس شرایط مرضی الطرفین به موجب ماده 30، صادر شده باشد.

2- رأی بایستی حاوی تاریخ و محل داور که مطابق ماده 20(1) تعیین شده، (نیز) باشد. رأی، صادر شده در همان محل محسوب می‌گردد.

3- پس از امضای رأی، رونوشت آن که مطابق بند (1) این ماده توسط داوران امضاء شده، بایستی به هر کدام از طرفین تسلیم شود.

مادة 32- ختم رسیدگی

1- رسیدگی داور به موجب رأی نهایی یا به موجب دستور هیئت داور که مطابق بند (2) این ماده صادر می‌شود، ختم می‌گردد.

2- هیئت داور در موارد زیر، دستور ختم رسیدگی داور را صادر می‌نماید:

الف خواهان دعوای خود را مسترد کند، مگر اینکه خواننده نسبت به آن اعتراض نماید و هیئت داور (نیز) برای او منافع مشروع و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف، تشخیص دهد.
ب طرفین در مورد ختم رسیدگی توافق کنند.

ج هیئت داور (نیز) ادامه رسیدگی را به هر دلیل دیگری، غیرلازم یا غیرممکن یابد.

3- با توجه به رعایت مقررات مواد 33 و 34 (4) با ختم رسیدگی، وظیفه هیئت داور (نیز) پایان می‌پذیرد.

مادة 33- اصلاح و تفسیر رأی، رأی الحاقی

1- مشروط بر اینکه مهلت دیگری بین طرفین توافق نشده باشد، ظرف سیروز پس از دریافت رأی:

الف هر کدام از طرفین، می‌تواند، ضمن ارسال اخطاریه به طرف دیگر، از هیئت داور درخواست کند که هرگونه اشتباه در محالسه، املاء یا (تحریر و) ماشین‌نویسی یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح نماید،

ب چنانچه بین طرفین توافق شده باشد، هرکدام از ایشان می‌تواند با ارسال اخطاریه به طرف دیگر، از هیئت داور درخواست کند که نکته مشخص یا قسمتی از رأی را تفسیر کند.

چنانچه هیئت داور چنین تقاضاهایی را موجه تشخیص دهد، اصلاح یا تفسیر (لازم) را ظرف سیروز از وصول درخواست،

به عمل خواهد آورد. تفسیر رأی جزئی از آن محسوب می‌شود.

2- هیئت داور می‌تواند ظرف سی‌روز از تاریخ رأی، هرگونه اشتباه (تحریر) ماشین‌نویسی مذکور در بند 1 (الف) این ماده را رأساً (نیز) اصلاح کند.

3- هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی‌روز از تاریخ دریافت رأی از هیئت داور تقاضا کند که نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده ولی در رأی مسکوت مانده است، رأی الحاقی صادر نماید، مگر اینکه بین طرفین طور دیگری توافق شده باشد. چنانچه هیئت داور این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت روز نسبت به صدور رأی الحاقی اقدام می‌نماید.

1- هیئت داور می‌تواند در صورت لزوم، مهلتی را که ظرف آن بایستی رأی را مطابق بند 1 یا 3 این ماده اصلاح یا تفسیر کند یا رأی الحاقی صادر نماید، تمدید کند.

2- مقررات ماده 31 در مورد اصلاح، تفسیر یا رأی الحاقی لازم‌الاجرا است.

فصل هفتم اعتراض به رأی

ماده 34- درخواست ابطال، به منزله تنها (وسیله) اعتراض به رأی

1- مراجعه به هر دادگاهی برای اعتراض به رأی داور صرفاً به صورت درخواست ابطال آن مطابق بندهای 2 و 3 این ماده ممکن است.

اسناد بین‌المللی ❖ 235

2- رأی داورى ممکن است صرفاً در موارد زیر توسط دادگاه مندرج در ماده 6 ابطال شود:

الف- طرف (او در) موافقتنامه داورى مذکور در ماده 7، فاقد پاره‌ای اهلیت‌های لازم بوده است، یا موافقت‌نامه مذکور به‌موجب قانونی که طرفین حاکم بر آن دانسته‌اند، یا در صورتیکه چنین قانونی تعیین نشده باشد، به‌موجب قانون این کشور، معتبر نیست، یا

ب- طرفی که چنین درخواستی می‌نماید، در مورد تعیین هر داور یا رسیدگی داورى اختاریه صحیحی دریافت نکرده باشد، یا به هر جهت دیگری قادر به ارائه (و اقامه) دعوايش نشده باشد،

ج- رأی نسبت به اختلافی که به‌موجب شرط رجوع به داورى مورد نظر نبوده یا در چهارچوب شرایط مذکور نمی‌گنجد وارد رسیدگی شده، یا حاوی تصمیم درباره موضوعی باشد که خارج از قلمرو (شرط) رجوع به داورى است، مشروط بر اینکه، اگر تصمیم متخذه نسبت به موضوعات ارجاع شده به داورى از موضوعاتی که ارجاع نشده قابل‌تفکیک باشد، بتوان آن قسمت از رأی را که حاوی تصمیم درباره موضوعاتی است که به داورى ارجاع نشده ابطال کرد، یا

ج - ترکیب هیئت داورى یا آیین (داورسى) داورى مطابق موافقت‌نامه (داورى) نباشد، مگر اینکه موافقتنامه مذکور با یکی از مقررات این قانون که طرفین نمی‌توانند از آن عدول نمایند. در تعارض باشد، و یا اگر موافقتنامه‌ای

وجود نداشته باشد (ترکیب هیئت داورى یا آیین دادرسی داورى) مطابق مفاد این قانون نبوده باشد، یا

خ - دادگاه احراز کند که:

- موضوع اصلی اختلاف، به موجب قوانین این کشور قابل حل و فصل از طریق داورى نیست، یا
- رأی (داورى) مخالف نظم عمومى این کشور است.

3- درخواست ابطال (رأی) پس از انقضای سه ماه از تاریخ دریافت آن توسط طرفی که چنین درخواست می‌نماید، یا چنانچه براساس ماده 33 تقاضای شده باشد (ظرف سه ماه) از تاریخی که در مورد تقاضای مذکور توسط هیئت داورى تعیین تکلیف شده، مسموع نیست.

4- دادگاه می‌تواند، در مواردی که از او تقاضای ابطال رأی داورى شده، در صورت اقتضا و درخواست یکی از طرفین، به منظور ایجاد فرصت برای هیئت داورى جهت از سرگیری رسیدگی یا سایر اقدامات مشابه که به نظر هیئت داورى دلایل ابطال را منتفی می‌سازد، رسیدگی به تقاضای مذکور را برای مدتی که خود تعیین می‌کند، معلق نماید.

فصل هشتم

شناسایی و اجرای آراء (داورى)

ماده 35- شناسایی و اجرا

1- رأی داورى، صرفنظر از کشوری که در (قلمرو) آن صادر شده، بایستی لازم الاجرا شناخته شود، و در صورت تقاضای

کتبی از دادگاه صلاحیتدار، با رعایت مفاد این ماده و ماده 36 قانون حاضر، به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

2- طرفی که به رأی استناد می‌کند یا درخواست اجرای آن را می‌کند، بایستی نسخه اصل رأی که به طور کامل تأیید شده یا کپی تصدیق شده آن را همراه با نسخه اصل موافقتنامه داور مذکور در ماده 7 یا نسخه تصدیق شده آن، تسلیم نماید. چنانچه رأی یا موافقتنامه به زبان رسمی این کشور نباشد، بایستی ترجمه کاملاً مصدق آنها به زبان رسمی مذکور را نیز تسلیم کند.³

ماده 36- موارد عدم شناسایی یا عدم اجرا

1- (تقاضای) شناسایی یا اجرای رأی داور را، صرفنظر از کشوری که در آنجا صادر شده، صرفاً در موارد زیر می‌توان رد کرد:

الف- به درخواست طرفی که علیه او (به رأی) استناد شده، مشروط بر اینکه طرف مذکور به دادگاه صلاحیتداری که درخواست شناسایی یا اجرا از او به عمل آمده، ادله‌ای ارائه کند که:

- طرف (او در) موافقتنامه داور مندرج در ماده 7، از بعضی جهات فاقد اهلیت (لازم) بوده است، یا موافقتنامه مذکور، به موجب

3. منظور از شرایط مقرر در این بند آن است که حداکثر ضوابط پیش‌بینی شده باشد. لذا چنانچه کشوری شرایط سهل‌تری در این خصوص وضع نماید، منافاتی با هماهنگی مورد نظر از این قانون نمونه، نخواهد داشت.

قوانینی که حسب توافق ایشان، موافقت نامه مشمول آن بوده یا در صورت عدم تعیین قانون حاکم به موجب قانون کشوری که رأی در قلمرو آن صادر شده، معتبر نباشد، یا

- طرفی که علیه او به رأی استناد شده، به طور صحیح از تعیین داور(ها) یا جریان رسیدگی داورى مطلع نشده و یا به هر علت دیگری قادر به ارائه ادعاهای خود نشده باشد.

- رأی نسبت به اختلافی که به موجب شرایط رجوع به داورى مورد نظر نبوده یا در چهارچوب شرایط مذکور نمی‌گنجد، وارد رسیدگی شده یا حاوی تصمیم درباره موضوعی باشد که خارج از قلمرو (شرط) رجوع به داورى است، مشروط بر اینکه، اگر تصمیم متخذه نسبت به موضوعات ارجاع شده به داورى از موضوعات ارجاع نشده، قابل تفکیک باشد، بتوان آن قسمت رأی را که حاوی تصمیماتی در مورد موضوعات ارجاع شده به داورى است، شناسایی و اجرا نمود، یا

- ترکیب هیئت داورى یا آیین (دادرسى) داورى مطابق موافقتنامه فی‌مابین طرفین نبوده باشد، یا در صورت نبودن چنین قانونی، مطابق قانون کشور محل انجام داورى نباشد، یا

- رأی داوری هنوز نسبت به طرفین الزام آور نشده باشد، یا توسط دادگاه کشوری که در آنجا صادر شده یا طبق قانونی که به موجب آن صادر گردیده، ابطال یا معلق شده باشد، یا

ب - در صورتی که دادگاه احراز کند که:

- موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین این کشور از طریق داوری قابل حل و فصل نیست، یا
- شناسایی یا اجرای رأی، برخلاف نظم عمومی این کشور خواهد بود.

2- اگر از دادگاه مذکور در بند 1—

الف - 7، این ماده درخواست موقوف‌الاجرا شدن یا تعلیق رأی داوری شده باشد، دادگاهی که از او تقاضای شناسایی یا اجرای رأی به عمل آمده، در صورتی که مصلحت تشخیص دهد می‌تواند تصمیم خود را به تأخیر اندازد و همچنین می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر نماید که طرف مقابل تأمین مناسب بسپرد.